

درس هشتم تحولات نظام جهانی

چند نمونه از پدیده هایی که به ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشور تعلق دارند را نام ببرید

امروزه، شیوه غالب زندگی اجتماعی چگونه است؟

امروزه شیوه غالب زندگی اجتماعی در دنیا، زندگی در واحدهایی اجتماعی به نام «کشور» است. کشور ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد. پدیده هایی مانند مزرعه، کارخانه، بانک، اشتغال، تورم، ثروت، امنیت، قدرت، دولت، انتخابات، نیروهای مسلح، معرفت، رسانه، هنر، ادبیات، دانشگاه، مسجد، مدرسه و ... به ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر کشور تعلق دارند.

در درس گذشته آموختید که عوامل متعددی در شکل گیری نظام نوین جهانی مؤثر بودند. آنها را بازخوانی کنید و بگویید کدام یک اقتصادی، سیاسی یا فرهنگی اند. با انجام دادن این فعالیت پی می برید، **تعریف نظام جهانی**

نیز یک واحد اجتماعی کلان است که خود ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی دارد. نظام نوین جهانی در این

ابعاد سه گانه، چه تحولاتی را از سر گذرانده است؟ متن زیر و جدول صفحه بعد را در این رابطه تفسیر کنید.

ساختمان مرکزی و مدیریت غول های رسانه ای جهان، در کدام کشورها قرار دارد؟ مثال بزنید

ساختمان مرکزی و مدیریت تمامی بیست غول رسانه ای جهان، در کشورهای صنعتی، به ویژه ایالات متحده قرار دارند. امپراتوری های رسانه ای، مثل تایم وارنر، دیسنی و یاکوم، امریکایی اند. از دیگر شرکت های رسانه ای

بزرگ می توان به شرکت **آینی سونی** و گروه **آلمانی** برتلسمان اشاره کرد.

ابعاد مختلف نظام جهانی را نام ببرید. **اقتصادی - سیاسی - فرهنگی**

کشورهای استعمارشده و تحت نفوذ، تامین کننده ی چه چیزهایی برای کشورهای استعمارگر بودند؟ نیروی کار - مواد خام

ارزش فروش شرکت های بزرگ در مقایسه با تولید ناخالص داخلی برخی کشورها، ۲۰۱۷ میلادی

کشور یا شرکت	تولید ناخالص داخلی یا کل فروش (میلیارد دلار آمریکا)	کشور یا شرکت	تولید ناخالص داخلی یا کل فروش (میلیارد دلار آمریکا)
جنرال موتورز	۱۶۶/۴	آفریقای جنوبی	۳۴۹/۴
فنلاند	۲۵۱/۹	یونان	۲۰۰/۳
نروژ	۳۹۸/۸	اکسون	۱۹۷/۵
فورد موتور	۱۵۱/۸	تویوتا موتور	۲۴۹/۹
امارات متحده عربی	۳۸۲/۶	مالزی	۳۱۴/۵
فولکس واگن	۲۴۰/۳	رژیم اشغالگر صهیونیستی	۳۵۰/۹
رومانی	۲۱۱/۸	پرو	۲۱۱/۴
آپل	۲۱۷/۵	والمارت	۴۸۵/۳

تحولات اقتصادی - سیاسی

کشورهای استعمارگر ابتدا کدام ساختار کشورهای استعمارزده را دگرگون کردند؟

عملکرد اقتصادی کشورهای غربی در چارچوب دولت - ملت های جدید شکل گرفت. قدرت سیاسی این دولت ها با منافع اقتصادی صاحبان ثروت، صنعت و تجارت هماهنگ بود. رقابت های سیاسی استعمارگران، به ویژه در مناطق استعمارزده، با منافع اقتصادی استعمارگران پیوند می خورد. کشورهای استعمارگر ابتدا اقتصاد کشورهای استعمارزده را دگرگون کردند. پیش از استعمار، اقتصاد کشورهای غیر غربی اغلب در تعامل با محیط جغرافیایی خود و به گونه ای مستقل بود. روابط تجاری نیز در حدی نبود که استقلال سیاسی آن کشورها را در معرض خطر قرار دهد اما در دوران استعمار، اقتصاد کشورهای استعمار شده و تحت نفوذ، برای رفع نیازهای اقتصادی کشورهای غربی، به تدریج تغییر یافت و ویژگی های خاصی پیدا کرد. آیا می دانید این ویژگی ها کدام اند؟

اقتصاد کشورهای استعمارشده در طی فرایند استعمار غربی چه ویژگی هایی پیدا کرد؟

- 1 • اقتصاد کشورهای استعمار شده و تحت نفوذ، به بازار مصرف کالاهای تولید شده کشورهای غربی تبدیل می شوند.
- 2 • این کشورها، نیروی کار و مواد خام مورد نیاز کشورهای غربی را تامین می کنند.
- 3 • در اغلب موارد، کشورهای تحت نفوذ و استعمارزده به طرف اقتصاد تک محصولی سوق داده می شوند؛ به این معنا که صادرات آنها به یک ماده خام محدود می شود.
- 4 • تک محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمارزده، قدرت چانه زنی در اقتصاد جهانی را از آنان می گیرد و این پدیده، موجب وابستگی اقتصادی آنها به کشورهای استعمارگر می شود.

تک محصولی شدن اقتصاد کشورهای استعمار زده، چه پیامدهایی دارد؟

5. به دلیل وابستگی اقتصادی کشورهای استعمارزده به کشورهای استعمارگر، مبادلات تجاری در سطح جهانی نامتعادل می‌شود و انتقال ثروت، به طرف کشورهای غربی ادامه پیدا می‌کند.



■ از بزرگ‌ترین کشورهای تولیدکننده قهوه، برزیل، اتیوپی، گواتمالا و هند هستند. این در حالی است که اغلب شرکت‌های بزرگ آماده‌سازی و فروش قهوه در دنیا، آمریکایی هستند.

کشورهای غربی با چه هدفی، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمارزده منتقل می‌کنند؟

6. کشورهای غربی به اقتضای بازار مصرف، برخی صنایع وابسته را به کشورهای استعمارزده منتقل می‌کنند ولی این انتقال، در جهت استقلال این کشورها یا تعدیل جهانی ثروت نیست بلکه در جهت منافع بیشتر کشورهای استعمارگر است. بدین ترتیب، با وجود رشد و تحول کشورهای استعمارزده، فاصله و وابستگی کشورهای غربی و غیر غربی، همچنان حفظ می‌شود.



■ صنعت مد و پوشاک جهانی با انتقال تولیدی‌های خود به کشورهای فقیر، هزینه‌های خود را به طرز چشمگیری کاهش داده است. بنگلادش یکی از این کشورهاست. بنگلادشی‌ها با دستمزد ناچیز، در شرایط پرخطر و ناایمن مشغول به کار هستند.

چگونه وابستگی کشورهای استعمارزده، امکان عبور از مرحله استعمار به استعمار نو را

برای کشورهای استعمارگر پدید می‌آورد؟

7. وابستگی کشورهای استعمارزده، امکان عبور از مرحله استعمار به استعمار نو را برای کشورهای استعمارگر پدید می‌آورد؛ زیرا کشورهای غربی بعد از آنکه در کشورهای استعمارزده با مقاومت‌های سیاسی و نهضت‌های آزادی‌بخش مواجه می‌شوند، استقلال سیاسی و اقتصادی آنان را به رسمیت می‌شناسند اما اقتصاد وابسته، دولت‌های مستقل را ناگزیر می‌کند تا در چرخه نامتعادل جهانی توزیع ثروت قرار گیرند.

یکی از موضوعات زیر را به دلخواه انتخاب و درباره آن تحقیق کنید.
 الف) اقتصاد ایران تا دوران قاجار بر مدار دآمداری و کشاورزی قرار داشت. تخته قاپوکردن ایلات در دوره رضاخان و انقلاب سفید در دوره محمدرضا پهلوی بر دآمداری و کشاورزی ایران چه تأثیراتی داشتند؟
 ب) نقش صادرات نفت در تک محصولی شدن اقتصاد ایران چیست؟

افول دولت - ملت ها و جهانی شدن

دولت - ملت ها در نظام جهانی جدید چگونه به وجود آمدند؟ آنها چه تفاوتی با حاکمیت های پیشین دارند؟ آیا در جامعه جهانی باقی می ماندند؟ * **دولت - ملت ها چه تفاوتی با حاکمیت های پیشین دارند؟**

* **دولت - ملت ها نخستین بار در چه مناطقی پدید آمدند؟ ویژگی های دولت - ملت را بنویسید** **تعریف دولت - ملت**
 * **آموختید دولت - ملت ها، حاکمیت های سیاسی - اقتصادی جدیدی بودند که نخستین بار در اروپای غربی با افول قدرت کلیسا پدید آمدند؟ آنها برخلاف حاکمیت های پیشین، خود را با هویت دینی و معنوی نمی شناختند و کاملاً سکولار بودند. هویت آنها اغلب ناسیونالیستی و قومی است. این کشورها در مسیر توسعه خود به صورت قدرت های استعماری درآمدند و به دنبال فتوحات استعماری، جغرافیای سیاسی جدیدی را در مناطق حضور خود برای دیگر فرهنگ ها پدید آوردند. پس برای هر یک از این مناطق، هویت جدیدی ساختند. بدین ترتیب، دولت - ملت های جدید در بخش های دیگری از جهان شکل گرفت. هویت های جدیدی که برای هر یک از این مناطق جغرافیایی جدید ساخته می شود، هویتی قومی و سکولار است. هویتی که استعمارگران برای فتوحات خود شکل دادند، چگونه بود؟**

بخوانیم و بدانیم

با فروپاشی امپراتوری عثمانی، به تناسب مناطق تحت نفوذ دولت های استعماری، کشورهای جدید تأسیس شدند و برای هر یک از آنها هویت ملی جدیدی معرفی شد. هویت این مناطق در دوران عثمانی، هویتی اسلامی بود و ویژگی های قومی، نژادی و تاریخی آنها ذیل فرهنگ اسلامی تعریف می شد.

در هویت سازی های جدید، ابعاد نژادی و قومی این مناطق با کاوش های باستان شناسان برجسته می شود و اسلام به عنوان یک عنصر هویت بخش به فراموشی سپرده می شود. قبله گاه اول مسلمانان، بیت المقدس، محل تشکیل دولت مهاجران اشغالگر صهیونیست گردید. **مکه، قبله امت اسلامی**، در تصرف فرقه تازه تأسیسی قرار گرفت که تحت حمایت دولت استعماری انگلیس بود و در منطقه نزول وحی، همه آثار باقی مانده از صدر اسلام به اسم توحید و مبارزه با شرک با خاک یکسان شد.



■ بارگاه ائمه بقیع عليه السلام و بناهایی که بر روی قبور بزرگان اسلام قرار داشت در سال ۱۳۴۲ هـ. ق تخریب شد. در سفرنامه‌ها آمده که بارگاه ائمه، بقعه‌ای هشت ضلعی دارای محراب و ضریحی از چوب و نمونه‌ای بدیع از هنر و فن محسوب می‌شده است. بقیع زیارتگاه تمامی مسلمانان بوده است.

جهانی شدن یعنی چه؟

عواملی که سبب پیدایش دولت - ملت‌ها در تاریخ معاصر بشری شدند، در سده اخیر تغییر یافته‌اند و به دنبال آن، نقش کشورها و دولت‌های آنها در جهان تغییر کرده است. برخی از این

فرایندها جدید با عنوان جهانی شدن یاد می‌کنند.

اقتصاد سرمایه محور در حرکت‌های آغازین خود، نیازمند حمایت چه چیزهایی بود؟

اقتصاد سرمایه محور در حرکت‌های آغازین خود، نیازمند حمایت سیاست‌های قومی و منطقه‌ای

بود ولی به تدریج، انباشت ثروت، پدید آمدن شرکت‌های بزرگ چند ملیتی و گسترش صنعت

ارتباطات، از اهمیت مرزهای سیاسی کاست. **در اقتصاد سرمایه محور، به تدریج چه مواردی موجب شد از اهمیت مرزهای سیاسی کاسته شود؟**

[با شکل‌گیری نهادهای بین‌المللی و بازارهای مشترک منطقه‌ای، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی

به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود. آنها با استفاده از شبکه‌های عظیم اطلاعاتی، تغییرات اقتصادی

در سطح جهانی را شناسایی و مدیریت می‌کنند.]

چرا امروزه سرمایه‌گذاری شرکت‌های بین‌المللی به منطقه‌ای خاص محدود نمی‌شود؟



■ رستوران‌های زنجیره‌ای مک دونالد در چین، روسیه، هند و مصر

کانون‌های ثروت و قدرت چگونه استقلال کشورهای مختلف را مخدوش می‌کنند؟

کانون‌های ثروت و قدرت برای حفظ منافع خود، از طریق سازمان‌های بین‌المللی، موانع موجود

بر سر راه تجارت بین‌المللی را برمی‌دارند و استقلال اقتصادی و سیاسی کشورهای مختلف را

مخدوش می‌سازند. برخی معتقدند جهانی شدن، مثبت است، آن را توضیح دهید

برخی معتقدند جهانی شدن، فرایندی است که هیچ اعتنایی به مرزهای ملی ندارد و در حال

موافقان جهانی شدن

جهانی شدن مخالفانی دارد، آن را توضیح دهید

ایجاد نظمی نوین است که تجارت و تولید بین‌المللی آن را به پیش می‌راند. این دیدگاه مخالفانی نیز دارد که معتقدند در حال حاضر ابعاد اقتصادی و سیاسی جهانی شدن به گونه‌ای نیست که نظمی نوین را در سطح جهانی به دنبال آورد بلکه چالش‌ها و تضادهایی را پدید می‌آورد. مقابله با این چالش‌ها، بیشتر توسط جنبش‌هایی صورت می‌گیرد که فراتر از مرزهای سیاسی دولت‌ها عمل می‌کنند.

مطالعه کنید

برای مقاومت در برابر سیاست جهانی‌سازی اقتصادی قدرت‌های برتر اروپایی و آمریکایی، پیمان‌هایی از قبیل جنبش عدم تعهد، اتحادیه عرب، سازمان کنفرانس اسلامی و ... بین دولت‌ها شکل گرفته است. درباره این پیمان‌ها و ضعف‌ها و قوت‌های آنها مطالعه کنید.



■ کشورهای عضو بریکس، خود را حامی کشورهای در حال رشد و ارتقادهنده وضعیت آنها و نیرویی برای حفظ صلح جهان می‌دانند.

■ سازمان کنفرانس اسلامی، سازمانی برای حفاظت و حمایت از منافع جهان اسلام و ترویج صلح بین‌المللی است.



■ از سازمان همکاری شانگهای با عنوان «ناتوی شرق» یاد می‌شود.

امپراتوری رسانه، علم و فرهنگ

نظام نوین جهانی در عرصه فرهنگی نیز شاهد تحولات بسیاری بوده است. این تحولات چه مسیری را طی کرده‌اند؟ صنعت ارتباطات، رسانه و علم جدید در این تحولات چه تأثیری داشته‌اند؟ آیا تحولات فرهنگی نظام جهانی به جهانی شدن فرهنگ غرب منجر می‌شوند؟



در زمان های گذشته، مبادلات فرهنگی جوامع چگونه شکل می گرفته است؟

در گذشته، جوامع از طریق تجارت، مهاجرت، جنگ و غیره با یکدیگر مواجهه داشته‌اند. این برخوردها

سبب انتقال و اشاعه فرهنگ‌ها می‌شده و مبادلات فرهنگی از این طریق شکل می‌گرفته‌اند.

برخورد استعماری غرب با جوامع غیر غربی چه پیام‌هایی داشت؟
برخورد استعماری غرب، جوامع غیر غربی را از نظر اقتصادی و سیاسی در موضع ضعف قرار داد.

این پدیده اغلب نوعی خودباختگی فرهنگی نیز در آن جوامع ایجاد کرد.

خودباختگی فرهنگی چه نتایجی برای کشورهای استعمارزده دارد؟
سال گذشته اموتید که خودباختگی فرهنگی سبب می‌شود جامعه، حالت فعال و خلاق خود را

در گزینش عناصر فرهنگی دیگر از دست بدهد و در نتیجه، عناصر فرهنگ دیگر را بدون تحقیق

و گزینش و به گونه‌ای تقلیدی، فرا گیرد.

در شرایطی که جوامع غیر غربی، مدیریت خود را در گزینش عناصر مناسب فرهنگ غربی از

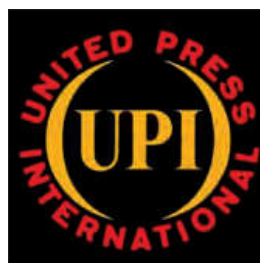
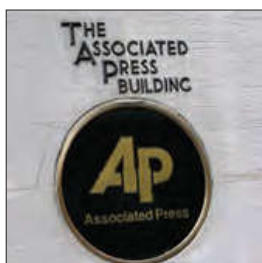
دست می‌دهند، غرب مدیریت انتقال فرهنگ خود را در چارچوب اهداف اقتصادی و سیاسی

موردنظر به دست می‌گیرد. **منظور از امپراتوری رسانه ای چیست؟**

صنعت ارتباطات، ابزار تازه‌ای است که به جهان غرب در این مدیریت یاری می‌رساند. توسعه

صنعت ارتباطات، فاصله‌های زمانی و مکانی را کوتاه و جهان را کوچک کرده و آن را به صورت

دهکده‌ای واحد درآورده است.



■ خبرگزاری‌های فرانسه پرس، یونایتد پرس، رویترز و آسوشیتد پرس

به سبب موقعیت برتر کشورهای غربی، و در رأس آنها آمریکا، در عرصه رسانه، بسیاری از ناظران

از امپراتوری رسانه‌ای نیز سخن می‌گویند.

چرا کشورهای کمتر توسعه یافته، در برابر امپراتوری فرهنگی آسیب پذیرند؟
از این منظر، امپراتوری فرهنگی تازه‌ای تأسیس شده است که کشورهای کمتر توسعه یافته در برابر

آن آسیب پذیرترند؛ زیرا منابع و امکانات لازم برای حفظ استقلال فرهنگی خود را ندارند.

تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی، نه تنها هویت فرهنگی جوامع

غیر غربی، را متزلزل می‌گرداند، بلکه آشکارا بر خلاف ارزش‌های دموکراتیک جهان غرب نیز هست. بسیاری

از منتقدان، نگران این هستند که تمرکز قدرت رسانه در دست چند شرکت یا چند فرد قدرتمند، موجب

تضعیف ساز و کارهای دموکراسی می‌شود.

تجمع قدرت رسانه در دست صاحبان ثروت و کانون‌های صهیونیستی چه نتایجی به دنبال دارد؟

جهان غرب از طریق رسانه، فرهنگ عمومی جوامع غیر غربی را مدیریت می‌کند، اما تربیت نخبگان

کشورهای غیر غربی بیشتر به شیوه‌های دیگر انجام می‌شود:

توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی: جوامع غربی، بخشی از علوم طبیعی را که برای خدمت رسانی

منظور از توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی توسط جوامع غربی چیست؟

به غرب مورد نیاز است، به کشورهای در حال توسعه آموزش می‌دهند ولی از آموزش دانش‌های راهبردی، خودداری می‌کنند.

علوم انسانی غربی دارای چه ویژگی‌هایی است؟

تثبیت مرجعیت علمی غرب علوم انسانی غربی که بر بنیان‌های هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و معرفت‌شناختی غرب بعد از رنسانس شکل گرفته‌اند، زندگی آدمی را بدون توجه به ابعاد معنوی

آن، به گونه‌ای سکولار تعریف می‌کنند و سازمان می‌دهند. چه عاملی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع فرهنگ غرب در جهان دارد؟ چرا ترویج علوم انسانی غربی در کشورهای غیر غربی، عمیق‌ترین تأثیر را در توزیع فرهنگ غرب در جهان دارد؟

جهان دارد؛ زیرا این علوم موجب می‌شوند که فرهنگ‌های دینی، هویت خود را از نگاه فرهنگ غربی بازنگری و ارزیابی کنند. این پدیده، فرهنگ‌ها را از علمی که بر پایه بنیان‌های معرفتی دینی است، محروم می‌گرداند.

بخوانیم و بدانیم

دولت‌های مرکز برای حفظ وضع موجود (وضعیت مرکز-پیرامون) در عرصه‌های مهم، انحصار ایجاد می‌کنند. برخی از این انحصارها عبارت‌اند از: انحصار فنّاوران، کنترل بازارهای مالی جهانی، دسترسی انحصاری به منابع طبیعی کره زمین، انحصار سلاح‌های کشتار جمعی و انحصار ارتباطی و رسانه‌ای. برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانید به صفحات ۳۲ تا ۳۴ کتاب «سرمایه‌داری در عصر جهانی شدن» نوشته سمیرامین مراجعه کنید.

گفت‌وگو کنید

– چرا کشورهای غربی تلاش می‌کنند مانع دستیابی ایران به فناوری هسته‌ای شوند؟
– چرا در برابر تلاش جامعه علمی ایران، برای تدوین علوم انسانی مبتنی بر نیازهای بومی و مبانی معرفتی اسلامی مقاومت می‌شود؟

با هم تکمیل کنید

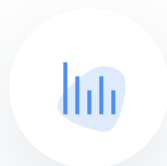
مدیریت فرهنگی جوامع غیر غربی توسط جوامع غربی	
شیوه	عرصه
رسانه	الف) فرهنگ عمومی.....
۱- توزیع هدفمند علوم طبیعی و علوم انسانی	ب) فرهنگ تخصصی (تربیت نخبگان)
۲- تثبیت مرجعیت علمی غرب	

تربیت نخبگان کشورهای غیر غربی، به چه شیوه‌هایی انجام می‌شود؟ به دو روش
الف- توزیع هدفمند علوم طبیعی و انسانی
ب- تثبیت مرجعیت علمی غرب



اپلیکیشن درسی همیار

برنامه رایگان درسی همیار



تمام پایه ها

جواب کتاب ، تدریس و نمونه سوال



همیشه رایگان

برنامه همیار کاملا رایگان میباشد